

گفتمان مقاومت شهید قاسم سلیمانی در دیپلماسی و روابط بین‌الملل

سروش امیری^۱ و جواد کیانی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۲۵

چکیده: جمهوری اسلامی ایران در میان کشورهای جنوب غرب آسیا، تنها کشوری است که از دوران انقلاب اسلامی و در زمان جنگ هشت‌ساله تحمیلی و جنگ‌های دوم و سوم در غرب آسیا با روحیه مقاومت و همبستگی، در برابر قدرت‌های جهانی ایستادگی کرد. نقش سربازان و فرماندهانی چون سردار سلیمانی که در برابر دشمنان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ایستادگی کردند و معادلات منطقه‌ای و جهانی را تغییر دادند، بسیار برجسته است. هدف این مقاله بررسی و تحلیل جایگاه گفتمان مقاومت و رفتار سیاسی، روش‌ها، شیوه‌های برخورد و واکنش‌های سیاسی است که شهید قاسم سلیمانی در روابط بین‌ملت‌ها و دولت‌ها به‌عنوان خط‌مشی‌های اصولی از خود ترسیم کرده است. این مقاله با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی ضمن تعریف مبانی و ماهیت گفتمان مقاومت شهید سلیمانی، جریان هم‌افزای آن با سیاست‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی را بررسی می‌کند. پرسش کلیدی این است که گفتمان مقاومت یا عمومی شهید سلیمانی چگونه در سطوح داخلی، منطقه‌ای و جهانی اثرگذار بود؟ نتایج نشان داد، گفتمان مقاومت یا عمومی شهید سلیمانی با داشتن ویژگی‌هایی همانند گشودگی، همدلی، حمایت‌گری، مثبت‌گرایی و مساوات‌طلبی، شیوه‌ای ستودنی از ارتباطات و دیپلماسی را به‌وسیله دعوت مردم، نخبگان داخلی و خارجی و قبایل برای مبارزه با تروریسم جهانی با روش مسالمت‌آمیز سیاسی و پیمان‌های مختلف شکوفا کرد.

واژگان اصلی: گفتمان مقاومت، دیپلماسی، سپهبد قاسم سلیمانی، محور مقاومت، نظم جهانی.

۱. دانشیار و عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

suroush.jnu@gmail.com

۲. عضو هیئت علمی گروه مرزبانی دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران.

مقدمه

شهید شهیر سپهبد قاسم سلیمانی در سال ۱۳۳۵ در شهرستان رابر از توابع کرمان به دنیا آمد. پدرش یک کارگر بنای ساده بود. او دوران نوجوانی‌اش را در همان مناطق گذراند و با پیروزی انقلاب و آغاز جنگ تحمیلی به عضویت سپاه پاسداران درآمد. شهید سلیمانی در آغاز جنگ، فرماندهی دو گردان از نیروهای کرمانی را برعهده گرفت. سپس با پیشنهاد شهید حسن باقری، تیپ جدیدی از نیروهای کرمان را تشکیل داد. این تیپ چند ماه بعد در زمستان سال ۶۱، با اضافه شدن نیروهایی از سیستان و بلوچستان و هرمزگان به لشکر ۴۱ ثارالله تبدیل شد. لشکر ثارالله از جمله لشکرهای معروف و خط‌شکن دفاع مقدس بود که در عملیات بزرگی مانند والفجر ۸، کربلای ۴ و ۵ و... نقش‌آفرینی کرد. دوران چهل ساله خدمت شهید سلیمانی را می‌توان به سه بخش تقسیم کرد. نخستین بخش آن در تابستان سال ۶۷ و پایان جنگ تحمیلی به اتمام رسید. دوره دوم که ۹ سال طول کشید، مقابله با اشراق، قاچاقچیان و برهم‌زندگان امنیت در جنوب شرق کشور بود. اما مهم‌ترین دوران فرماندهی شهید سلیمانی از سال ۱۳۷۶ آغاز شد. دوره‌ای که دامنه تأثیرات آن بیرون از مرزهای جغرافیایی کشور بود و تأثیرات زیادی بر گستره جغرافیایی جهان اسلام داشت. این دوره، آغاز فرماندهی نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بود. نیروی قدس به‌عنوان شاخه برون‌مرزی سپاه، یکی از نیروهای پنج‌گانه این نهاد است که در افکار عمومی (حداقل تا چند سال پیش) کمتر نامی از آن برده می‌شد. مهم‌ترین دستاوردهای شهید سلیمانی را می‌توان در چارچوب‌های زیر دید:

تغییر فرماندهی، هم‌زمان با بحران کشور همسایه: انتصاب شهید سلیمانی به فرماندهی این نیرو هم‌زمان بود با درگیری‌های طالبان در افغانستان و به همین دلیل برخی این انتصاب را بی‌ارتباط با آشنایی شهید سلیمانی با مناطق شرق کشور نمی‌دانستند؛

دوران ثبات در جبهه مقاومت: در کارنامه فرماندهی شهید سلیمانی در نیروی قدس، نقاط درخشان بسیاری هست که برای نمونه، تقویت و ثبات حزب‌الله لبنان، تقویت نیروهای مقاومت فلسطینی در جریان جنگ‌های ۳۳ روزه، ۲۲ روزه و ۸ روزه و نیز شکل‌گیری و تقویت محور مقاومت به‌ویژه در ۸ سال اخیر و پس از شروع بحران در سوریه و عراق است. شیوه و منطق کاری نیروی قدس، فعال کردن ظرفیت‌های خفته در همان کشورهاست. برای نمونه، در عراق «حشدالشعبی» و در سوریه «بسیج مردمی» (قوات دفاع وطنی) تشکیل شد و

با کمک آن‌ها و هدایت و مشاوره نیروی قدس سپاه، بساط تروریست‌ها در این دو کشور جمع شد. در کنار فرماندهی جنگ، افکار عمومی با چهره دیگری از شهید سلیمانی آشنا شد؛ چهره‌ای که او را در قامت یک سیاستمدار و دیپلمات کارگشته نشان می‌داد. وی توانایی اقناع و همراه‌سازی دیگر کشورها را برای ورود به جبهه جنگ مقابله با تروریست‌ها در سوریه داشت. قاسم سلیمانی به‌عنوان نماینده ایران در سفر به مسکو طی مذاکره با رئیس‌جمهور پوتین توانست از ظرفیت عملیاتی روس‌ها نیز برای پیشبرد اهداف خود استفاده کند. برای شهید سلیمانی فرقی میان مسلمانان نبود و باید به همه آنان در برابر ظالمان و دشمنان یاری رساند. او در اوج مبارزه با تروریست‌ها در سوریه و عراق، اعلام کرد که برای نظام اسلامی، کمک به شیعه و سنی تفاوتی ندارد و برای نمونه به مردم فلسطین اشاره کرد که اگرچه بیشتر آن‌ها از مذهب اهل تسنن هستند، ولی جمهوری اسلامی ایران بیشترین دفاع و حمایت را از آن‌ها داشته است. همچنین وقتی دامنه جنایات داعش به کردستان عراق کشید، قاسم سلیمانی به کمک آن‌ها رفت و مانع از سقوط اربیل شد؛

ظهور گفتمان مقاومت: یکی از اهداف اصلی دشمنان برای سقوط سوریه، قطع کردن ارتباط ایران و حزب‌الله لبنان بود. با شکست داعش و نقش‌آفرینی نیروی قدس در سوریه و عراق، یک حلقه مستحکم به نام حلقه مقاومت تشکیل شد و زنجیره ایران، عراق، سوریه، لبنان و فلسطین را به هم متصل کرد. این موضوع بر خلاف خواست آمریکا و اسرائیل است. با نقش شهید سلیمانی در مدیریت منطقه و مقابله با دشمنان، القابی، چون «شیخ فرمانده»، «قدرتمندترین فرد خاورمیانه» و «کابوس اسرائیل»، از سوی آمریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها به وی اطلاق شد؛

تأثیر گفتمان مقاومت از جبهه‌های ایران در دیپلماسی: از جمله توانایی‌های فرماندهی شهید سلیمانی، همراه کردن نیروهای مبارز با فرهنگ‌های مختلف از سراسر جهان اسلام است که یک نمونه آن را در سوریه دیدیم؛ جبهه‌ای که رزمندگان و مجاهدان ایرانی، لبنانی، سوری، افغانستانی، عراقی، پاکستانی و... در کنار هم با دشمن مشترک جنگیدند. شهید سلیمانی که تحت تأثیر روحیات به‌جامانده از دوران جنگ تحمیلی قرار دارد، سعی می‌کند تا این فرهنگ را در تمامی گستره جبهه مقاومت گسترش دهد. این مجاهدان همه برای یک هدف واحد مبارزه کردند و امروز ایران اسلامی که به قدرت بزرگی در منطقه تبدیل شده و نقش تعیین

کننده در منطقه دارد مدیون شهید سلیمانی و یاران شهیدش است. در جاودانگی این شهید، رهبر معظم انقلاب اسلامی فرمودند:

«شهید سلیمانی، هم در زمان زنده‌بودنش استکبار را شکست داد، هم با شهادتش شکست داد. این‌ها ادعا نیست، این‌ها چیزهایی است که اثبات شده است. در زمان زنده‌بودنش استکبار را شکست داد، دلیلش اینکه رئیس‌جمهور آمریکا آمد گفت: ما هفت تریلیون دلار خرج کردیم در عراق و هیچ چیز گیرمان نیامد؛ [حتی] مجبور شد شب تاریک بیاید یک وقتی در یک پایگاه آمریکایی در عراق بنشیند و برود. این را همه دنیا قبول کردند که آمریکا در عراق و سوریه به‌ویژه در عراق به مقاصد خودش نرسیده. چرا؟ چه کسی در این قضیه فعال بود؟ قهرمان این کار سلیمانی بود. بنابراین در زمان حیات خودش این‌ها را شکست داد. پس از شهادت هم دشمنان را شکست داد. این تشییعی که در ایران شد، تشییع عجیب و واقعاً فراموش‌نشده‌ای [بود] و همچنین تشییع میلیونی که در عراق شد؛ در نجف، در بغداد ایشان تشییع شد، تشییع میلیونی عجیبی؛ ایشان و شهید ابومهدی مهندس با همدیگر تشییع شدند. در واقع این تشییع و بعد بزرگداشت‌ها، ژنرال‌های جنگ نرم استکبار را متحیر کرد. این‌هایی که در جنگ نرم استکبار برجسته‌اند و در واقع آن‌ها هستند که دارند فعالیت می‌کنند و ژنرال‌های جنگ نرم آمریکا و استکبار هستند، اصلاً متحیر ماندند که این چه وضعی است؛ این که بود، این چه بود؛ این چه حرکت عظیمی است که آن‌ها را شکست داد» (بیانات مقام معظم رهبری در سالگرد شهادت شهید قاسم سلیمانی، ۱۳۹۹/۹/۲۶؛ Farsi.khamenei.ir).

در همین راستا، به دنبال بررسی و تحلیل جایگاه گفتمان مقاومت و رفتار سیاسی، روش‌ها، شیوه‌های برخورد و واکنش‌های سیاسی هستیم که شهید سلیمانی در روابط بین‌ملت‌ها و دولت‌ها از خود ترسیم کرده است.

چهارچوب نظری

واژه گفتمان برگرفته از عبارت فرانسوی «Discourse» و واژه لاتین «Discourses» به معنی گفت‌وگو است. در پرتو تحلیل گفتمان، هر واژه به تنهایی مفهوم ویژه‌ای را احراز نموده و در قالب‌های مختلف زبانی و فرازبانی هویدا می‌شود (بشیر، ۱۳۸۵: ۱۴). می‌توان گفت که تحلیل گفتمان بیش از هر چیز می‌کوشد تا معنا را کشف و از علت‌کاوی دوری کند. «گفتمان

مقاومت» یا «گفتمان عمومی» را گاهی دیپلماسی مردمی، دیپلماسی آشکار و یا قدرت نرم^۱ می‌نامند. در محافل علمی و دانشگاهی و در سیاست خارجی آمریکا، بیش از هر کشور دیگری به آن پرداخته شده است. اصطلاح دیپلماسی عمومی، نخستین بار در آمریکا و در سال ۱۹۶۵م. توسط ادموند گولوبین، رئیس دانشکده حقوق و دیپلماسی دانشگاه تافت و هم‌زمان با افتتاح «مرکز ادوارد مور برای دیپلماسی»، به‌کار گرفته شد. این مرکز، گفتمان مقاومت یا عمومی را فرایند اثرگذاری بر نگرش‌های عمومی، برای شکل‌دهی و اجرای سیاست خارجی و شامل ابعادی از روابط بین‌الملل می‌داند که فراتر از دیپلماسی سنتی است (ولف و روزن، ۱۳۸۴: ۹۴). در «فرهنگ واژگان اصطلاحات روابط بین‌الملل» که توسط وزارت خارجه آمریکا در سال ۱۹۸۵م. منتشر شده، در تعریف گفتمان مقاومت یا عمومی چنین آمده است: «دیپلماسی عمومی به برنامه‌های تحت حمایت دولت اشاره دارد که هدف از آن‌ها، اطلاع‌رسانی یا تحت تأثیر قرار دادن افکار عمومی در کشورهای دیگر است» (کگلی و وتیکف، ۱۳۸۲: ۱۹۲).

به باور جین بیگلر (۲۰۰۵)، نکات با اهمیت در دیپلماسی عمومی این است که چگونه می‌توان با جلب نظر مردم (یا بخشی از مردم)، برای اعمال فشار بر دولت‌هایشان، در جهت حمایت از اهداف مورد نظر دست یافت (فرهنگی، ۱۳۸۲: ۱۲). بریج^۲ (۲۰۱۰)، می‌گوید دیپلماسی شامل ارتباطات میان مقامات دولتی بوده و برای ارتقای سیاست خارجی با توافقات رسمی یا ترتیبات ضمنی طراحی شده است. همچنین دیپلماسی از مجاری گوناگونی افزون‌بر نمایندگی‌های کشورها در سرزمین‌های دیگر به اجرا درمی‌آید. وایت^۳ (۲۰۰۱)، از بررسی این تعاریف چنین استنباط می‌کند که دو برداشت متفاوت از دیپلماسی وجود دارد: دیپلماسی به مانند فرایند روابط و دیپلماسی به عنوان فن یا هنر (ابزار). براین وایت با درک درست این تفاوت معتقد است که می‌توان از دو منظر کلان و خرد به دیپلماسی نگریست و به تعریف آن پرداخت. از منظر کلان (چشم‌انداز سیاست جهانی)، دیپلماسی، فرایند ارتباطات میان کنشگران بین‌المللی برای حل و فصل کشمکش‌های جهانی با گفت‌وگو و با هدف جلوگیری از وقوع جنگ است. از این منظر، دیپلماسی به آشکالی از همکاری‌های دولت‌ها اشاره دارد که با هدف

1 . Soft power

2 . Berridge

3 . White

مدیریت و استقرار نظم در نظام جهانی و جلوگیری از تبدیل کشمکش‌ها به جنگ صورت می‌گیرد. اما از منظر خُرد (چشم‌انداز سیاست خارجی)، دیپلماسی به‌عنوان یک ابزار در کنار دیگر ابزارها مانند نیروی نظامی تعریف می‌شود که در راستای تحقق اهداف سیاست خارجی کنشگران بین‌المللی مورد استفاده قرار می‌گیرد. هانس تاچ (۲۰۰۵)، نویسنده کتاب «ارتباط با جهان»، دیپلماسی عمومی را تلاش‌های رسمی دولت برای شکل‌دهی محیط ارتباطات در خارج می‌داند؛ به‌گونه‌ای که سیاست خارجی توان اجرا بیابد و میزان ناآگاهی‌ها و شناخت-های نادرست از روابط پیچیده میان کشورها کاهش یابد.

گفتمان مقاومت یا عمومی، به‌عنوان یکی از ابزارهای دیپلماسی و سیاست، از اصول، اهداف و مبانی رفتار سیاسی و سیاست خارجی متأثر است. از سوی دیگر، به دلیل آن‌که سیاست خارجی یکی از حوزه‌های روابط بین‌المللی است، تحت تأثیر نگرش و ماهیت یک مکتب نسبت به ماهیت روابط خارجی و بین‌المللی قرار دارد (دبیری، ۱۳۷۴: ۶۳). در رویکرد شهید سلیمانی جهت‌گیری سیاست خارجی دولت اسلامی تحت تأثیر ماهیت درونی و روابط خارجی و بین‌الملل قرار دارد و این جهت‌گیری، به‌نوبه خود ماهیت دیپلماسی را تعیین می‌کند. ماهیت روابط خارجی از یک‌سو و اصول و مبانی سیاست خارجی، چهره واقعی دیپلماسی اسلامی را بیان می‌کند. بدین ترتیب، درک ماهیت دیپلماسی مستلزم تبیین دیدگاه‌های مطرح در نظام بین‌الملل است و مقایسه ایده این دیدگاه‌ها با دیدگاه شهید سلیمانی در زمینه دیپلماسی و رفتار سیاسی در سه سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی است (امیری، ۱۳۹۸: ۳۲).

از دیرباز دو نگرش عام و فراگیر به‌عنوان گفتمان غالب نظریات سیاست خارجی در نظریه‌پردازی در حوزه سیاست خارجی و نحوه رفتار سیاسی کشورها مؤثر بوده است. گفتمان رئالیسم و ایدئالیسم که هر یک از نظر فلسفی و انسان‌شناسی متفاوتی به تحلیل و مطالعه مسائل بین‌المللی و سیاست خارجی پرداخته و در نهایت هر یک از آن‌ها برداشتی خاص را از ماهیت نظام بین‌الملل و روابط خارجی عرضه کرده‌اند. دولت اسلامی در مطالعه سیاست خارجی ناگزیر است تا پیش از همه، ماهیت روابط خارجی و نظام بین‌المللی را روشن سازد؛ زیرا تبیین ماهیت روابط خارجی و نظام بین‌الملل و نحوه نگرش مکاتب و نظریات در این زمینه به‌صورت تبعی دیگر مسائل حوزه سیاست خارجی تأثیر خواهد داشت (مورگنتا، ۱۳۷۴: ۱۰۵). از دیدگاه رئالیسم، سازوکار صلح در چارچوب نظریه موازنه قوا و بازدارندگی مطرح

می‌شود که بیشتر خصلتی اجبارگونه و غیرارادی دارد. مکتب ایدئالیسم به دور از تعارض‌ها تحلیل می‌کند. در این برداشت ماهیت روابط اجتماعی بر محور اخلاق استوار است. جنگ زائیده نادیده انگاشتن اخلاق و اصول انسانی است.

تعالیم و آموزه‌های اسلامی با اتخاذ موضع میانه در مورد سرشت و ماهیت انسان، روابط اجتماعی را با جنگ و صلح همراه می‌داند. جنگ برای برتری‌جویی و صیانت ذات، جنگ برای ارضای کسب قدرت و انحصارگرایی و جنگ برای رفع تبعیض و تحقق عدالت اجتماعی و در مجموع از نظر اسلام جنگ معلول عدم تعادل رابطه فطرت و غرایز انسانی است که در آن غرایز بر فطرت چیره می‌گردد (قوام، ۱۳۷۹: ۷۲). از نظر اسلام، سازوکار صلح، قطع ریشه‌های جنگ است که بیشتر با ایجاد رابطه منطقی میان غرایز و فطرت صورت می‌گیرد. سرشت انسان‌ها از جنگ نفرت دارند و به صلح و ثبات علاقه‌مندند. اما در غریزه برتری‌طلبی و قدرت‌جویی، گاه این خواست عمیق فطری زیر پا نهاده و روابط اجتماعی را به تعارض و جدال می‌کشاند (بهزادی، ۱۳۸۶: ۵۵). بنابراین در گفتمان مقاومت یا دیپلماسی عمومی شهید سلیمانی نه آن‌گونه که رئالیست‌ها می‌اندیشند، جنگ اصل است و نه آن‌گونه که ایدئالیست‌ها باور دارند، صلح همیشگی است. از نظر گفتمان مقاومت شهید سلیمانی، پدیده جنگ و صلح واقعیت عینی تاریخ بشر را تشکیل می‌دهند. در روابط خارجی نیز اصل بر صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز قرار دارد. برای فهم نظام‌یافته گفتمان مقاومت شهید سلیمانی و سطوح مختلف آن، الگوی نظری برساخته گافمن و هابرماس ارائه می‌شود. گفتمان مقاومت در خلأ صورت نمی‌گیرد، بلکه در یک فضا^۱ که اروین گافمن آن را «صحنه» می‌نامد. پس صحنه محیطی است که ارتباط در درون و برون آن انجام می‌گیرد (جورج رتیزر، ۱۳۸۳: ۹۲).



^۱ . Space

تحلیل یافته‌ها

شهید قاسم سلیمانی قدرتمندترین فرمانده نظامی غرب آسیا بود. بسیاری از تحلیلگران جهانی او را دومین فرد قدرتمند جمهوری اسلامی پس از رهبر انقلاب می‌دانستند. استراتژی‌های نظامی او در خدمت سیاست خارجی بود. الگوی گفتمان مقاومت یا عمومی شهید سلیمانی در عرصه‌های استراتژیک به‌اندازه‌ای اهمیت داشت که بسیاری از سران کشورها در دیدار از ایران خواهان مذاکره با او بودند. بنابراین طرح‌ها، ایده‌ها و عملکردهای شهید سلیمانی که می‌توان آن‌ها را بال اجرایی چارچوب‌های سیاست خارجی در بُعد ملی، منطقه‌ای و جهانی دانست، میراث و الگویی را در عرصه داخلی و نظام بین‌الملل پیش روی سیاست‌گذاران جمهوری اسلامی قرار می‌دهد. اتکا به این اندیشه، راهگشای بن‌بست‌های سیاست خارجی خواهد بود. در واقع برای رسیدن به پاسخ این پرسش که شهید سلیمانی که بود و چرا شهادت او تا این اندازه بازتاب ملی، منطقه‌ای و جهانی داشت؛ بهترین راه این است که سراغ میراث‌های او در عرصه نظام بین‌الملل برویم (Farsi.khamenei.ir). بر این اساس، شهید سلیمانی طی حضور طولانی در نیروی قدس، الگوهایی را برای جمهوری اسلامی به ارمغان آورد که می‌توان آن‌ها را میراث‌های او نامید. این میراث‌ها در سه سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی درخور بررسی است:

۱- گفتمان مقاومت شهید قاسم سلیمانی در سطح ملی

یکی از عوامل کارآمدی که می‌تواند در ارائه مدل مطلوب، در تقابل با چالش‌های امنیتی، ما را یاری نماید، ضرورت توجه به ساختار و روند تصمیم‌گیری در حوزه دیپلماسی دفاعی-امنیتی جمهوری اسلامی ایران است. گفتمان مقاومت یا عمومی شهید سلیمانی در ساختار درونی به همراه رویکرد و کارکرد مؤثر آن، جایگاه ارزنده‌ای برای جمهوری اسلامی ایران دارد. در دهه اخیر، این نوع دیپلماسی به‌شدت مورد توجه مسئولان و تصمیم‌سازان کشور قرار گرفته است. گفتمان مقاومت یا عمومی در حالی پیگیری و بازتولید می‌شود که با توجه به تهدیدها و چالش‌های پدید آمده علیه کشور، جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای مطرح و دارای جایگاهی ویژه است. از لحاظ پیشگیری و مهار تهدیدهای پیش‌رو، بخش دفاع با تکیه بر فعالیت‌های دیپلماتیک، می‌تواند در ایجاد اعتماد و اطمینان متقابل میان کشورهای منطقه، نقش اساسی و مطلوبی را ایفا نماید.

گفتمان مقاومت یا عمومی شهید سلیمانی توان همکاری‌های دفاعی-امنیتی با کشورهای منطقه‌ای و فرماندهی‌های در زمینه‌های فنی و مطالعاتی، تبادل تجهیزات، سرمایه‌گذاری‌های مشترک، آموزش نظامی و تبادل وابستگان نظامی و دفاعی را دارد. در چنین وضعیتی، مجموعه وزارتخانه‌های دفاع، اطلاعات و امور خارجه، معاونین و مدیران اطلاعاتی-امنیتی کشور، فرماندهان نیروهای مسلح و وابستگان نظامی و دفاعی فعال در دفاتر وابستگی خارج از کشور، مسئول پیگیری و اجرای گفتمان مقاومت یا عمومی کارآمد و مناسب با چالش‌های پیش‌رو هستند. چنانچه بخواهیم به سازوکارهای اجرایی‌سازی گفتمان مقاومت یا عمومی در ساختار درونی جمهوری اسلامی ایران، اشاره‌ای نماییم، می‌توان به مواردی مانند عضویت و پایبندی در معاهده‌ها و قراردادهای بین‌المللی، توجه به پیمان‌نامه‌های دفاعی-امنیتی، گفت‌وگوهای دفاعی-امنیتی و راهبردی، تبادل تجهیزات و تسلیحات نظامی و دفاعی، انجام تمرین‌ها و رزمایش‌های نظامی مؤثر با ماهیت صلح‌محور و مبتنی بر بازدارندگی توجه نمود. همگی این‌ها در ساختار و روند تصمیم‌گیری در حوزه گفتمان مقاومت یا عمومی شهید سلیمانی، در ساختار درونی جمهوری اسلامی ایران، مؤثر و دارای نقش هستند (نمودار شماره ۱).

نمودار شماره ۱: نمودار فرآیند گفتمان مقاومت شهید قاسم سلیمانی در ساختار درونی



❖ سازمان تبلیغات اسلامی
استفاده از نهاد ریاست جمهوری اسلامی ایران ❖ هیئت دولت ❖ وزارت امور خارجه ❖ وزارت دفاع ❖ وزارت اطلاعات
استفاده از نهاد شورای عالی امنیت ملی ✓ دبیرخانه شورای عالی امنیت
استفاده از نهاد مجلس شورای اسلامی: ✓ شوراهای شهر و روستا
استفاده از داده‌های نهادهای دیپلماتیک: ❖ سفرای ج.ا.ایران در سفارتخانه‌ها ❖ اداره‌های وزارت امور خارجه ج.ا.ا. ❖ دفاتر نمایندگی و کنسولی ❖ شورای نمایندگی‌های وزارت امور خارجه
استفاده از داده‌های نهادهای امنیتی: ❖ معاونین و مدیران اطلاعاتی ❖ وابستگان اطلاعاتی ❖ پژوهشکده‌های مطالعات راهبردی اطلاعاتی ❖ پژوهشکده‌های مطالعات راهبردی امنیتی ❖ مراکز دانشگاهی (امنیت پژوهی)
استفاده از داده‌های نهادهای دفاعی ❖ وابستگان دفاعی ❖ مراکز تحقیقات دفاعی ❖ پژوهشکده‌های مطالعات راهبردی دفاعی ❖ دفاتر خرید اقلام دفاعی ❖ مرکز دانشگاهی فن‌آوری‌های نرم
استفاده از نهاد شورای نگهبان

اینکه یک نظامی در افکار عمومی و نهادهای داخلی و نیز در گستره‌ای به وسعت ۷ میلیون کیلومتر مربع و ۴۰۰ میلیون جمعیت نفوذ داشته باشد، بسیار جالب توجه است. نکته

راهبردی تر اینکه شهید سلیمانی نزدیک به سه دهه یکی از اصلی‌ترین چهره‌هایی است که در منطقه موفق به ملت‌سازی و دولت‌سازی شده است. رهبر انقلاب اسلامی در بخشی از ارتباط تصویری با مراسم تکریم و تجلیل از پیشکسوتان دفاع مقدس و مقاومت فرمودند: «یک نمونه از سرمایه‌های انسانی دوران دفاع مقدس، شهید سلیمانی بود که در عرصه منطقه و دیپلماسی، اقدامات شگفت‌آوری انجام می‌داد و هنوز ملت ایران از گستره فعالیت‌های این شهید عزیز اطلاع کافی ندارد» (Farsi.khamenei.ir). نفوذ سیاسی و قدرت دیپلماسی شهید سلیمانی به گونه‌ای بوده که بخشی از مسئولین ارشد کشورهای منطقه تحت تأثیر ایشان بودند. حاصل این دیپلماسی راهبردی عبارتند از:

✓ **خنثی‌سازی تهدیدهای امنیتی با گفتمان مقاومت:** تهدیدهای امنیتی علیه جمهوری اسلامی ایران طی چهار دهه اخیر، نقش برجسته سیاست خارجی امنیت‌محور را در راهبردهای ایران ناگزیر کرده است؛ این نوع سیاست خارجی نمی‌توانست به تنهایی از سوی فعالان عرصه سیاست خارجی اجرایی شود. شهید سلیمانی پایه‌گذار عمق‌بخشی از این نوع سیاست خارجی است که با تقویت گفتمان مقاومت و همسان‌سازی عاطفی و معنوی آن در سطح منطقه‌ای صورت گرفت؛

✓ **فرماندهی شهید قاسم سلیمانی در گفتمان مقاومت:** هماهنگی میان هویت‌های قومی و تشکیل جبهه مشترکی از آن‌ها علیه آمریکا و رژیم صهیونیستی، دیپلماسی ویژه‌ای می‌خواهد. باوجود این تنوع قومی، شهید سلیمانی یکی از اصلی‌ترین چهره‌های سیاسی و امنیتی غرب آسیا بود که مانع از تجزیه برخی کشورهای مهم منطقه از جمله سوریه، عراق، لبنان، افغانستان و... شد؛

✓ **ملت و قدرت‌سازی در گفتمان مقاومت:** امروزه در صحنه روابط بین‌الملل و در زندگی سیاسی کشورها، واژه قدرت کاربرد وسیعی پیدا کرده است. قدرت ملی یک کشور عبارت است از مجموعه توانایی‌های آن کشور در تحمیل اراده خود بر دیگر کشورها، برای رسیدن به منافع ملی خود. ا.جی کالینز، استراتژیست آمریکایی قدرت ملی را مجموعه‌ای از توانایی‌های بالقوه و بالفعل یک کشور تعریف می‌کند که از توانایی‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، علمی، فناورانه و نظامی آن کشور ناشی می‌شود. حافظ‌نیا، عوامل و عناصر مولد قدرت ملی را بدین‌گونه برمی‌شمارد: عوامل اقتصادی، عوامل

سرزمینی، عوامل حکومتی، عوامل علمی و فناورانه، عوامل اجتماعی، عوامل فرهنگی، عوامل نظامی و عوامل فراکشوری (امیری و میرزایی، ۱۳۹۴: ۱۱۲). شهید سلیمانی توانست قدرت ایران را در منطقه و جهان نشان دهد و امنیت کشور را به ثبات برساند.

۲- تأثیر گفتمان مقاومت شهید قاسم سلیمانی در منطقه

نوام چامسکی در کتاب «دخالت‌ها» معتقد است که کنترل ایران بر هلال شیعی و حشمت‌ناک‌ترین کابوس برای آمریکا است؛ تحولات دو دهه اخیر منطقه که متأثر از حضور و نفوذ مستقیم شهید سلیمانی بود، این کابوس را در بدترین شکل خود برای آمریکا پدید آورد؛ ماحصل این کابوس یعنی تغییر توازن قدرت منطقه‌ای به نفع ایران، مهم‌ترین رهاورد استراتژی شهید سلیمانی بود. این تغییر توازن دو نتیجه را در عرصه بین‌المللی برای ایران به همراه داشت؛ نخست توسعه عمق استراتژیک ایران در منطقه و به دنبال آن ایجاد توان بازدارندگی به عنوان یک شاخص مهم در تغییر الگوی ساختاری روابط بین‌الملل. این الگو مرز تهدیدات ایران را تا عمق راهبردی کشورهای متخاصم عقب راند.

✓ **تأثیر در تغییر توازن و ژئوپلیتیک غرب آسیا:** وزن ژئوپلیتیکی عبارت است از ثقل نیروها و عوامل مثبت و منفی در قدرت ملی یک کشور. وزن ژئوپلیتیکی، موقعیت یک کشور یا منزلت آن را در مجموعه‌ای از کشورها یا در سیستم ژئوپلیتیک جهانی و منطقه‌ای نشان می‌دهد. وزن ژئوپلیتیکی رابطه مستقیم با منزلت ژئوپلیتیکی کشور در سیستم جهانی و منطقه‌ای دارد. یعنی هرچه وزن بیشتر باشد، منزلت و اعتبار عمومی کشور بیشتر می‌شود. در نتیجه فرصت‌های جدید مرئی یا نامرئی برای اثرگذاری عینی و ذهنی بر فرآیندها، تصمیم‌سازی‌ها، اقدامات و رفتارها در مقیاس‌های مختلف محلی و همسایگی، منطقه‌ای و جهانی فراهم می‌آید (حافظ‌نیا، ۱۳۹۶: ۱۹۵). منطقه جنوب غرب آسیا، در میان مناطق استراتژیک جهان با کشورهایی متفاوت و متنوع، نمونه بارز و پیچیده‌ای از رقابت‌ها و کنش‌ها و واکنش‌ها و جست‌وجوی ایفای نقش ملی و منطقه‌ای به‌وسیله این کشورها را ارائه می‌دهد (امیری، ۱۳۹۷: ۳۳). این منطقه کماکان بی‌ثبات است. درک اهمیت این منطقه از سوی قدرت‌ها و دیگر کشورهای جهان و به تبع آن علاقه‌مندی آن‌ها به برقراری روابط و بهره‌مندی هرچه بیشتر از مزایا و پتانسیل‌های مختلف منطقه، باعث تلاش کشورهای منطقه برای کسب هرچه بیشتر قدرت در سطوح مختلف شده است. این امر خود بر پیچیدگی و

وخامت این رقابت‌ها می‌افزاید. جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یکی از بازیگران کلیدی در پهنه جغرافیای سیاسی غرب آسیا، به‌واسطه وجود نیروها و عوامل مثبت ژئوپلیتیکی خود، از جمله ورود به صحنه تحولات منطقه‌ای، توانسته نقش به‌سزایی در ایجاد نظم منطقه‌ای ایفا کند. سردار سلیمانی فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، یکی از مؤلفه‌های اصلی دکترین سیاست خارجی ایران در منطقه بود که سعی در تبیین جایگاه ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا را داشت؛

✓ تأثیر در گسترش ژئوپلیتیک گفتمان مقاومت در غرب آسیا: غرب آسیا از گذشته صحنه دائمی نامنی و بی‌ثباتی است. برخی از نزدیک‌ترین تحولات آن به ما عبارتند از: گرایش آشکار آمریکا برای سیطره کامل و ایجاد سلطه بر جنوب غرب آسیا؛ اشغال عراق و افغانستان؛ بی‌ثباتی و جنگ‌های فرقه‌ای در کشورهای مختلف منطقه؛ جنگ‌های پی‌درپی علیه حزب الله و نیروهای فلسطینی؛ بیداری اسلامی؛ تلاش برای تغییر دولت اسد و خارج کردن آن از محور مقاومت؛ تلاش برای تجزیه عراق و سوریه، کودتا در ترکیه و آغاز جنگ داخلی در این کشور و نیز حمله ضد انسانی رژیم آل‌سعود به مردم مظلوم یمن، نمونه‌های بارزی از بحران‌های ژئوپلیتیکی در غرب آسیا بوده است. سوریه مرکز ارتباطات سه قاره آسیا، آفریقا و اروپا است. این کشور از دیرباز مرکز بازرگانی میان شرق و غرب بوده است (امیری، ۱۳۹۷: ۳۳). سوریه موقعیتی ژئوپلیتیک محور دارد که با سه عامل واقع شدن در منطقه استراتژیک خاورمیانه، قرار گرفتن بر کناره شرقی دریای مدیترانه و برخورداری از ۱۸۶ کیلومتر ساحل با کشورهای حاشیه این منطقه، اهمیت بیشتری می‌یابد. ناآرامی‌های سوریه به علت دخالت و منافع بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به جنگ داخلی بدل شد. در سوی دیگر این بحران، برخوردها و درگیری‌های منطقه‌ای در سطح فراملی و بین‌المللی در منطقه غرب آسیا تا سطح نظامی و دیپلماتیک پدید آمد. از نگاه کشورهای نظیر عربستان، قطر و امارات، بحران سوریه، فرصتی برای سد نفوذ رو به رشد ایران در عراق و شامات فراهم کرد تا با آن بتوانند مواضع و جایگاه خود را تقویت کنند. دیگر اتفاقات مهمی که در ادامه بحران سوریه رخ داد، حمله عربستان سعودی به یمن بود که در ادامه اهداف راهبردی این رژیم برای ایجاد تغییرات منطقه‌ای پس از روی کار آمدن سلمان بن‌عبدالعزیز بود. دولت سعودی انگیزه‌های سیاسی و مذهبی بسیار زیادی برای این امر داشته و دارد؛

✓ **مقابله با نفوذ آمریکا و اسرائیل:** برای مقابله با نفوذ آمریکا و اسرائیل در مسائل منطقه‌ای، ایران دارای تشکیلات و سازمانی پویا شد که سعی می‌کند به دولت‌هایی کمک کند که درگیر مشکلات ناشی از تروریسم اسرائیل و داعش هستند. بنابراین هر سازمان و ساختاری کار خودش را انجام می‌دهد و با گذشت زمان توانا می‌شود. حال ممکن است یک‌زمانی در رأس چنین سازمان و ساختاری، فردی مانند سردار قاسم سلیمانی قرار گیرد که توانایی بیشتر به دست آورد. نفوذ منطقه‌ای ایران بیشتر فرهنگی، مذهبی، تاریخی و ژئوپلیتیکی است. مسائل مربوط به جریان مقاومت نیز به همان صورت گذشته برقرار است. البته ترور شهید سلیمانی ضایعه بزرگی برای جریان ضد تروریسم بود، اما توانمندی‌های جمهوری اسلامی خیلی از این نقایص را جبران می‌کند؛

✓ **تأثیر در شکست تروریست‌ها:** شهید سلیمانی به اذعان رسانه‌های خارجی یک «دیپلمات-نظامی» پرنفوذ در منطقه غرب آسیا بود. وی نقش بسیاری در مقابله با تروریست‌های تکفیری داعش داشت و با کمک مستشاری خود کمک بزرگی به عراق برای جلوگیری از سقوط شهرهای بیشتر کرد. فرمانده سپاه قدس در سراسر عراق ستایش شد. با توجه به اهمیت سوریه برای ایران، دلایل حضور پررنگ جمهوری اسلامی در بحران سوریه نیز روشن است. هرچند آمریکا و متحدان اروپایی و منطقه‌ای آن از جمله ترکیه، عربستان و قطر حاضر نبودند نقش ایران در این بحران را بپذیرند. ایران، توانست هم در فضای دیپلماتیک برخی کشورها مانند روسیه و چین را وارد بحران سوریه کند و هم برای جلوگیری از حاکمیت تروریست‌ها در کل سوریه وارد مبارزه عملی با تروریست‌ها شود. خارج از میدان دیپلماسی، سوریه به شدت نیاز به کمک در حوزه‌های مختلف به‌ویژه در حوزه دفاعی داشت. آمریکا و متحدانش با مسلح کردن معترضان و حمایت از گروه‌های تروریستی مانند جبهه‌النصره و داعش، دولت سوریه را به شدت تحت فشار قرار داده بودند (امیری، ۱۳۹۷: ۵۵). دولت سوریه که با یک وضعیت فوق‌العاده روبه‌رو شده بود، سعی کرد این آشوب‌ها را خنثی کند؛ اما در این میان دچار اشتباهاتی شد که گره ناامنی‌ها را کورتر کرد:

(۱) ناتوانی دولت سوریه در شناسایی علل و عوامل آشوب‌ها و برخورد منطقی و برنامه‌ریزی‌شده با آن؛

۲) برخورد شدید با اعتراضات و سرکوب شدید معترضان که راه را برای ورود تروریست‌ها هموارتر کرد؛

۳) بهره نبردن از توان نیروهای مردمی در جلوگیری از گسترش نفوذ تروریست‌ها؛

۴) ناآشنایی ارتش سوریه با جنگ‌های شهری و استفاده از توپخانه و سلاح‌های سنگین در جنگ شهری که موجب تخریب بخشی از مراکز و خانه‌های مردم شد.

تمام این مسائل باعث شد تا ایران به درخواست دولت سوریه برای مبارزه با تروریست‌ها، کارشناسان نظامی خود را در قالب مستشار نظامی راهی آن کشور کند. این وظیفه به عهده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و با محوریت شهید سپهبد قاسم سلیمانی قرار داده شد. پس نیروهایی از سپاه قدس راهی آن کشور شدند تا در مسائل نظامی راهنمای ارتش سوریه باشند. نقش‌آفرینی ویژه شهید سلیمانی و مستشاران نظامی سپاه قدس، قاعده بازی را عوض کرد. سوریه که می‌رفت به‌دست تروریست‌ها بیافتد، بازیابی نظامی شد و در میدان جنگ به پیروزی‌های متعددی دست یافت. اقدامات شهید سلیمانی از این قرار بود:

- ❖ ایجاد روحیه مبارزه با تروریست‌ها در بین فرماندهان نظامی سوریه؛
- ❖ آموزش شیوه جنگ شهری و مقابله با پیشروی تروریست‌ها با کم‌ترین تلفات ممکن؛
- ❖ استفاده از توان نیروهای مردمی برای مقابله با تروریست‌ها و ساماندهی نیروهای بسیج مردمی در سوریه؛
- ❖ کمک اطلاعاتی به ارتش و دولت سوریه در جنگ با تروریست‌ها؛
- ❖ برقراری تعامل با عشایر و قبایل برای کمک به مقابله با تروریست‌ها و میانجی‌گری بین دولت و قبایل.

۳- گفتمان مقاومت فرمانطقه‌ای سپهبد قاسم سلیمانی

✓ **تغییر نظام دوقطبی جهانی:** تغییر نظام دوقطبی و افزایش نقش آمریکا به‌عنوان تک‌قدرت در نظام بین‌الملل، بر تحولات و زیرسیستم‌های اطراف جمهوری اسلامی ایران و پیامدهای امنیت ملی، نقش اساسی ایفا نمود. در این باره، در نظام بین‌الملل تک‌قطبی و در راستای تحقق سیاست‌های ایالات متحده، کشورهای هدف، تابع معیارهای زیر می‌شوند: الف) اگر نیاز به تضمین امنیتی یک ابرقدرت داشته باشند، تنها یک گزینه دارند؛ ب) مجبور به همراهی با تک‌قطب هستند؛ ج) همگی باید برای بقای خویش، سخت

بکوشند. برای تمایز میان دوران جنگ سرد و پس از جنگ سرد، نوعی «سیاست مهار جدید» محور اصلی سیاست خارجی آمریکا در دهه ۱۹۹۰ م. را تشکیل داد. از این رو، در نگاه سیاسیون آمریکایی، کشورها به دو دسته کشورهای مخالف یا دشمن و کشورهای متحد یا دوست تقسیم شدند (حاجی یوسفی، ۱۳۸۷: ۲۳۲-۲۳۱). در واقع، پس از آنکه ایالات متحده مهار جمهوری اسلامی ایران را برای نیل به اهداف خود ضروری دید، تلاش نمود تا با ایجاد ائتلاف‌های منطقه‌ای و حتی مداخله مستقیم، عامل تهدید جدی برای ایران به‌شمار رود و اجازه ندهد، ایران از فرصت‌های موجود به‌ویژه فرصت‌های اقتصادی بهره‌برداری نماید (Pipes, 1993: 72):

✓ شکست راهبرد منطقه‌ای آمریکا: به‌طور کلی محور سیاست خارجی آمریکا در یک دهه پس از فروپاشی شوروی، مهار روسیه و جمهوری اسلامی ایران بود (Milkoyan, 1998: 40). آمریکا با تأسیس پایگاه‌های نظامی در برخی از کشورهای منطقه، به‌ویژه با ایجاد پیمان‌های نظامی و دفاعی، تهدیدی جدی برای جمهوری اسلامی ایران شد. پس ایالات متحده، سیاست مهار جدید در قالب دیپلماسی زور را علیه جمهوری اسلامی ایران به‌کار گرفت. اما نفوذ اطلاعاتی سپاه قدس در زمان شهید سلیمانی، بخش وسیعی از اروپا و حتی آمریکا را فراگرفت. برای نمونه در یکی از گزارش‌های رسمی منتشرشده سرویس اطلاعاتی آلمان آمده است که اشراف سپاه قدس در اروپا به‌گونه‌ای است که بیشتر مکان‌های اقتصادی و سیاسی وابسته به صهیونیست‌ها در چتر اطلاعاتی سربازان شهید سلیمانی است. به هر روی بازیگری فرامنطقه‌ای به مانند ایالات متحده که علاقه‌مند به ایجاد توازن و هژمون‌گرایی در سطح بین‌الملل است، به هر شیوه ممکن از منافع خود دفاع می‌کند (نجفی‌سیار و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۰)؛ هرچند نوع رژیم و حکومت طرف مقابل ایالات متحده از نوع دموکراسی و یا دیکتاتوری و یا حتی توتالیتریسم باشد (فریدمن، ۱۳۸۹: ۲۹). اگر آمریکا توان جلب حمایت‌های سیاسی داخلی کشور طرف مقابل را داشته باشد، با توجه به اندک بودن هزینه‌های دیپلماسی زور، به‌کارگیری آن چه‌بسا سهل‌تر از برخورد نظامی و فشار مستقیم باشد؛

✓ مقابله با چالش جهانی: چنانچه در هنگام به‌کارگیری الگوی رفتاری دیپلماسی زور، در ابزارهای کارآمد آن محدودیت ایجاد شود، اهداف نیز محدود می‌شود، تا این اهداف و

بزار باهم تناسب داشته باشند. در این راستا، آمریکا طی چند سال اخیر، ضمن طراحی یک چارچوب تحلیلی از دیپلماسی زور، علیه جمهوری اسلامی ایران، اهداف درازمدت خود را به صورت گام به گام، دنبال نموده است. با پایان جنگ سرد، قدرت مانور آمریکا در مناطق حساس جهان نظیر خاورمیانه افزایش یافت. البته تحولاتی مانند حمله صدام به کویت و مسایل بالکان، قفقاز و آسیای مرکزی زمینه را برای طرح اسلام‌ستیزی در سیاست خارجی آمریکا فراهم نمود. در چنین وضعیتی، طبیعی بود که جمهوری اسلامی ایران نوک حمله باشد. در آن زمان ایران، سیاست «صدور نرم‌افزاران انقلاب اسلامی» را در پیش گرفته و ضمن حمایت از جنبش‌های اسلامی، با سیاست‌های آمریکا مخالفت کرده بود (اسدی، ۱۳۹۰: ۱۱۳-۱۱۴). پس آمریکا سیاست‌مهار، در مورد ایران را نیز به کار گرفت. پس از سیاست‌مهار، نوبت به ایده «نظم نوین جهانی» و جهانی‌شدن لیبرالیسم رسید (شولزینگر، ۱۳۷۹: ۶۱۳-۶۱۴). از نظر ظاهری، سیاست نظم نوین جهانی بر به-کارگیری قدرت نظامی و گسترش ایده‌های آمریکایی و افزایش قدرت این کشور تأکید داشت؛ اما چالش‌هایی نیز برای آمریکا ایجاد کرد که در نوع برخورد با جمهوری اسلامی ایران، قابل ملاحظه است. «سیاست مهار دوجانبه» نیز الگوی دیگری از کنشگری آمریکا علیه ایران بود (واعظی، ۱۳۷۹: ۱۲۰). عملکرد آمریکا در چارچوب این سیاست، بیشتر استفاده از تحریم‌های اقتصادی برای اعمال قدرت مورد نظر نورئالیست‌ها بود. هدف آمریکا از سیاست مهار دوجانبه، تلاش برای بین‌المللی کردن و در نتیجه مشروع قلمداد نمودن، این تحریم‌ها بود. به هر روی آمریکا در این کار موفق نبود و حتی برخی کشورهای اروپایی، با تحریم همه‌جانبه ایران مخالفت کردند (اسدی، ۱۳۹۰: ۱۱۹).

تقابل ساختار نظام بین‌الملل با ایران را می‌توان سرچشمه همه چالش‌ها نامید که هزینه‌های مادی بسیاری بر ایران وارد کرد. تغییر مدار این تقابل از پیروزی ساختاری به ایجاد برتری به نفع ایران، بزرگ‌ترین میراث شهید سلیمانی در عرصه بین‌الملل است. شهید سلیمانی به دلیل ویژگی‌های منحصر به فرد در شکل و ماهیت مبارزه، یعنی تمرکز هم‌زمان بر عرصه نظامی و سیاسی و نیز تقابل غیرمستقیم با بازیگران رهبر ساختار، توانست هم در عرصه هنجاری، وزن گفتمان پویای سیاسی و ایدئولوژیک ایران را ارتقا بخشد و هم در عرصه ژئوپلیتیکی مرزهای نفوذ ایران را گسترش دهد. این راهبرد به‌عنوان بهترین و کم‌هزینه‌ترین

تاکتیک، بیشترین هزینه را به جبهه متخاصم ساختاری وارد کرد و دیپلمات‌های ایران را در مذاکرات گوناگون در موقعیت برتر قرار داد. یکی از مهم‌ترین اهداف انقلاب اسلامی با شعار نه شرقی نه غربی، حرکت در مسیر کسب جایگاه جهانی در مقام بازیگری اصلی بوده است. ابعاد فرهنگی و تمدنی مبتنی بر قدرت نرم جمهوری اسلامی، ظرفیتی است که ایران را شایسته ایفای چنین نقشی کرده است. در این میان محوریت شهید سلیمانی در تقویت بُعد دیگر قدرت‌سازی جهانی ایران یعنی حوزه نظامی، عملیاتی و بازدارندگی مبتنی بر شکل‌گیری نظم خاورمیانه بر محوریت ایران، جایگاه جمهوری اسلامی را در نقش‌آفرینی جهانی دوچندان کرد. اذعان سیاستمداران و اندیشمندان کشورهای مختلف به حضور جمهوری اسلامی ایران برای حل بحران‌هایی مانند سوریه، عراق، یمن و...، نشان از همین هموارسازی مسیر ارتقای بازیگری ایران دارد.

نتیجه‌گیری

دیپلماسی عمومی در چهارچوب گفتمان مقاومت مفهومی جدید است که تاریخچه‌ای طولانی از ادبیات مربوط به آن در حوزه روابط بین‌الملل و سیاست خارجی در دست نیست. با توجه به روش‌های شهید سلیمانی به تأسی از پیامبر اسلام (ص) در رسالت انسانی - الهی و گسترش پیام سلطه‌ستیزی در میان ملت‌ها، قبایل و گروه‌های انسانی مختلف، می‌توان ادعا کرد که این گفتمان در اسلام از سابقه طولانی برخوردار است. سردار سلیمانی توجه به ملت‌ها و ارتباط با افکار عمومی را در رأس اقدامات دیپلماتیک و مراودات خارجی قرار داد. ایشان در مقایسه با دیپلماسی سنتی و ارتباطات دولتی و حکومتی، تقدم و اولویت را برای دیپلماسی عمومی و روابط مردمی قائل بود. شهید سلیمانی اگرچه نظامی بود، اما خود را به این حوزه محدود نکرد و میراث‌های او تفاوت‌های عملکردی و نگرشی بسیاری با برخی دیپلمات‌های جمهوری اسلامی داشت؛ تفاوت‌هایی که می‌توان برخی از نتایج آن را گفتمان‌سازی، دورسازی تهدیدات و ایجاد نظم پایدار به نفع جمهوری اسلامی ذکر کرد. برخی از نگرش‌های مهم ایشان در این عرصه عبارت‌اند از:

❖ **یکسان‌نگاری منافع ملی و فراملی:** شخصیت یگانه و فرهمند شهید سلیمانی از ایران گرفته تا عراق، سوریه، یمن و افغانستان، وی را به یک نیروی نظامی و سیاسی بی‌نظیر تبدیل کرده بود. این شاخص را بیشتر از هر چیزی باید ناشی از هم‌ترازی منافع ملی و

فراملی در نگرش شهید سلیمانی دانست؛ به این معنا که او برخلاف بسیاری دیگر از فعالان سیاست خارجی که همواره درگیر تصادم میان این دو هستند، نشان داد که هیچ تضادی میان این دو نیست و تأمین هرکدام از آنها حقوق دسته دیگر را به طور خودکار به دنبال خواهد داشت؛

❖ **ارجح دانستن امنیت:** تاریخ ایران نشان داده تعدی و تجاوز بیگانگان به کشور درست زمانی صورت گرفته که توان نظامی ما ضعیف بوده است. در نظام ناعادلانه بین الملل کنونی که بی‌اعتمادی عنصر اساسی آن است و نیز با توجه به تهدیدانگاری گفتمان جمهوری اسلامی از سوی ساختار، هر درجه ضعف در توان نظامی، طمع نظام سلطه برای تسلط بر ایران را افزایش خواهد داد. بر اساس همین تجربه تاریخی شهید سلیمانی امنیت و توان نظامی را بستر توسعه دیپلماسی و افزایش قدرت چانه‌زنی می‌دانستند؛

❖ **امنیت‌سازی مرزی و فرامرزی:** شهید سلیمانی امنیت را نه در درون و اطراف مرزها بلکه آن را در سطح فرامرزی جست‌وجو می‌کرد؛ نتیجه این راهبرد افزایش توان بازدارندگی، دور شدن تهدیدات و سایه جنگ، سیاست دفاع روبه‌جلو و ایجاد پشتوانه برای مذاکرات دیپلماتیک بود.

نتیجه گفتمان مقاومت شهید سلیمانی در میان بخشی از مردم کشورهای هم‌جوار ایران و منطقه اشغالی فلسطین گسترش پیدا کرده است. برخی در کشورهای لبنان، سوریه و عراق همسو با جریان مقاومت، نگران برنامه‌های اسرائیل برای سلطه بر منطقه هستند. شهید سلیمانی توانست در دوره فرماندهی نیروی قدس به بخشی از خواسته‌های مردم کشورهای عراق، لبنان، سوریه، فلسطین و یمن پاسخ دهد و به آنها برای دفاع در برابر اسرائیل و مقابله با نفوذ آمریکا کمک کند. عینی‌ترین میراث شهید سلیمانی، نقش بازیگری بسیار پررنگ ایران به‌ویژه در بُعد منطقه‌ای است. وی عرصه بین‌المللی را نیز برای در نظر گرفتن منافع جمهوری اسلامی هموار کرد. تقویت و فعال شدن جنبش‌ها و گروه‌های مردمی تأثیرگذار در تحولات سیاسی و نظامی کشورهای منطقه از دیگر اقدامات ایشان است. نقش شهید سلیمانی در این حوزه آن بود که توانست میان آرمان مشترک جمهوری اسلامی و این گروه‌ها پیوند برقرار کند. این پیوند که مبتنی بر آگاهی جمعی متأثر از آموزه‌های اصیل اسلامی است، زمینه تبدیل شدن به رفتار سیاسی را به‌دست آورد. از سردار سلیمانی به‌عنوان فرمانده محور مقاومت در منطقه

نام برده می‌شد. در نگاه نخست محور مقاومت شامل کشورهایی همچون ایران، لبنان، سوریه، عراق، فلسطین و یمن می‌شود؛ اما دیگر کشورهای منطقه همچون افغانستان، بحرین، امارات، قطر و مناطقی از عربستان و همه کشورهای اطراف رژیم صهیونیستی، به نوعی با مأموریت‌های سپاه قدس همراه هستند.

کتابنامه

- اسدی، ناصر (۱۳۹۰). دیپلماسی اجبار (بررسی مقایسه‌ای سیاست ایالات متحده در قبال عراق، لیبی و ایران)، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- ازغندی، سید علیرضا و جهانگیری، سعید (۱۳۹۷). واکاوی سیاست خارجی دونالد ترامپ در خاورمیانه و چالش‌های پیش روی آن (ابعاد و رویکردها)، فصلنامه راهبرد سیاسی، سال دوم، شماره ۵، تابستان، صص ۲۵-۱.
- امیری، سروش و زهرا میرزایی (۱۳۹۵). همزیستی مسالمت‌آمیز در روابط بین‌الملل و قرآن، تهران: مگستان.
- امیری، سروش و زهرا میرزایی (۱۳۹۴). روابط بین‌الملل در قرآن، تهران: مگستان.
- امیری، سروش (۱۳۹۷). بررسی انقلاب‌های کشورهای اسلامی با تأکید بر انقلاب اسلامی و انقلاب‌های عربی، فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، شماره ۲۵، صص ۲۸-۷.
- بهزادی، حمید (۱۳۶۸). اصول روابط بین‌الملل و سیاست خارجی، تهران: دهخدا.
- بشیر، حسن (۱۳۸۵). تحلیل گفتمان دریچه‌ای بر کشف ناگفته‌ها، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- جهانگیری، سعید و گروسی، ناصر (۱۳۹۷). بررسی و مقایسه سیاست خارجی ایران و ترکیه در مورد تحولات سوریه (ابعاد و رویکردها)، فصلنامه راهبرد سیاسی، سال ۲، شماره ۷، زمستان، صص ۴۷-۳۱.
- حاجی‌یوسفی، امیرمحمد (۱۳۸۷). سیاست خارجی ج.ا.ایران در پرتو تحولات منطقه‌ای، تهران: وزارت امور خارجه.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۶). اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد: پاپلی.
- شیخ‌الاسلامی، محمدحسن؛ رحیمی، مختار و قاسمی فرد، علی (۱۳۹۶). فضای گفتمانی، آرمان ایرانی و حاکمیت آن بر گفتمان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه، فصلنامه راهبرد سیاسی، سال اول، شماره ۱، تابستان، صص ۲۰-۱.
- دبیری، محمدرضا (۱۳۷۴). دیپلماسی کاربرد و رویه‌های دیپلماتیک، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل.
- زارع برمی، مرتضی (۱۳۹۷). انقلاب اسلامی و دفاع مقدس در نظام آموزشی کشور (تعلیم‌وتربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی در تراز انقلاب اسلامی و دفاع مقدس)، فصلنامه مطالعات دفاع مقدس، دوره ۴، شماره ۲، تابستان، صص ۸۶-۵۳.

فاطمی، داود و اسلامی فارسانی، عباس (۱۳۹۷). ارزیابی نظام ارزش‌های جامعه در دوران دفاع مقدس و دوران کنونی، فصلنامه مطالعات دفاع مقدس، دوره ۴، شماره ۲، تابستان، صص ۱۱۳-۱۵۰.

فریدمن، لارنس (۱۳۸۹). بازدارندگی، ترجمه قهرمان‌پور و دیگران، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

قریشی، سید رسول (۱۳۹۷). بازخوانی مسئولیت بین‌المللی رژیم بعث عراق در جنگ تحمیلی علیه ایران: تحلیل قطعنامه‌های شورای امنیت و سازوکار تعیین متجاوز، فصلنامه مطالعات دفاع مقدس، دوره ۴، شماره ۳، پاییز، صص ۵۳-۸۲.

قریشی کرین، سید حسین و قربانی، حسینعلی (۱۳۹۷). بررسی گستره عدالت در وصیت‌نامه‌های شهدای جنگ تحمیلی، فصلنامه مطالعات دفاع مقدس، دوره ۴، شماره ۴، زمستان، صص ۶۲-۴۷.

قوام، عبدالعلی (۱۳۷۹). اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، تهران: سمت. کگلی، چارلز دبلیو و اوجین آر ویتکف (۱۳۸۲). سیاست خارجی آمریکا، ترجمه اصغر دستمالچی، تهران: وزارت امور خارجه.

واعظی، حسن (۱۳۷۹). ایران و آمریکا: بررسی سیاست‌های آمریکا در ایران، تهران: سروش. ولف، چارلز و روزن برایان (۱۳۸۴). دیپلماسی عمومی: بوسه مرگ، ترجمه علی گلمحمدی، ماهنامه اندیشه و تاریخ سیاسی ایران معاصر، شماره ۳۱ و ۳۲، سال چهارم.

Berridge, G. R (2010). *Diplomacy: Theory and Practice*, New York: Palgrave MacMillan.

Melissen, Jan (2005). *The New Public Diplomacy: Soft Power in International Relations*, New York: Palgrave Mac Millan.

Mikoyan, Sergo (1998). *Russia, the US and Regional and Conflict in Eurasia*, *Global Politics and Strategy*, Vol 40, Issue 3, pp 112- 126.

Pipes, Daniel and Patrick Clawson (1993). *Ambitious Iran, Troubled Neighbors*, *Foreign Affairs*, Vol 72. No 1. pp 124- 141.

White, Brian (2001). "Diplomacy", in John Baylis and Steve Smith (Eds.). *the Globalization of World Politics: An Introduction to International Relations*. Oxford: Oxford University Press.